

رقابت برای خلعت «پدرسالاری»

مروري بر انگیزه‌هاي عبور برخي اصولگرایان از «شوراي ائتلاف» و ترسیم مختصات جدید انتخاب‌آتي-سیاسي براي تقویت «شوراي وحدت» و احیاي نهاد سنتي «جامعتین» که سال‌ها نقش خانه پدري را در جریان راست داشت

سیما پروانه‌گهر- اعتمادآنلاین

در شرایطی که صف‌بندی‌های داخلی در بهارستان و رده‌بندی خارج از بهارستان در اردوگاه اصولگرایان برای انتخابات مجلس دوازدهم، کم و بیش در حال شفاف شدن است، نخستین روز از تیرماه سال 1402، انتشار صحبت‌های غلامعلی حدادعادل در کسوت رییس «شوراي ائتلاف نیروهای انقلاب» مختصات جدیدی از احتمالات آتی برای تصمیمات سیاسی-انتخاباتی اصولگرایان را ترسیم کرد. حدادعادل در آخرین روز بهار سال جاری درباره مجلس یازدهم با گلایه سخن گفت؛ گلایه‌هایی که شاید بیشتر از جنس دلخوری از جانب ریاست نهادی بود که نقش اول در بستن لیست‌های انتخاباتی اصولگرایان در مجلس یازدهم را داشت؛ لیست‌هایی که پیروز انتخابات کم مشارکت اسفند 1398 بودند و ترکیب مجلس یازدهم را تشکیل دادند.

در این اظهارات که در چهارمین نشست ویدئویی حداد عادل به عنوان رییس شوراي ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی با حضور مسوولان و روسای این شورا طرح شد، تأکید شده بود که «اگرچه مجلس یازدهم انقلابی است اما اگر تعدادی از نمایندگان عملکرد ضعیفی داشتند - در دور بعد- از افراد کارآمدتر حمایت خواهیم کرد تا افرادی مومن و «انقلابی‌تر» وارد مجلس شوند».

همین جملات از جانب حدادعادل نشان از این مساله داشت که لیست‌های انتخاباتی در شهرهای مختلف در فاصله منتخبین مجلس یازدهم تا انتخابات مجلس دوازدهم تغییرات زیادی خواهد داشت؛ تغییراتی با موافقان و مخالفان جدی و البته همراه با رقابت‌های درون اصولگرایی

جدي تر براي سهم بيشتري.

همين شد كه اظهارات حدادعادل با موضوع گيري برخي چهره هاي اصولگرا نيز مواجه شد. چهره هايي كه هرگز در كسوت حدادعادل يا مراتب پايين تر براي تصميم گيري و جمع بندي كارهاي انتخاباتي و ليستي نبودند، اما اصولاً يد طولايي در نقد تمامي چهره ها و تصميمات دو جريان دارند. محمدمصدق كوشكي در ماراتن طرح نقد به هر موضوعي جز سعيد جليلي در عالم سياست، اين باره غلامعلي حدادعادل را نشانه گرفت و با بيان اينكه «اين مجلس دستپخت شماست»، مطالبتي را خطاب به شوراي ائتلاف و سازوكار آن مطرح كرد كه كدهاي مهمي درباره تصميم بخشي از جريان اصولگرا براي عبور از شوراي ائتلاف نيروهاي انقلاب دارد.

كوشكي در اين سخنان به روشني به نقد سازوكار شوراي ائتلاف در انتخابات مجلس يازدهم، بعد از نزديك به 4 سال پرداخت. او به صراحت تاكيد كرد كه اين شورا باز هم اگر متصدي بستن ليستها باشد، همين وضعيت را تحويل ميدهد: «آنها - شوراي ائتلاف نيروهاي انقلاب - اگر ميخواستند افراد كارآمد تري را به مجلس بفرستند، چرا چهار سال پيش اين كار را نكردند؟ چرا در مقطع انتخابات ۱۳۹۸ بهترينها را گزينش نكردند كه حالا دچار اين مشكل شدند؟ به نظر ميرسد اين دوره نيز شوراي ائتلاف نيروهاي انقلاب اسلامي به دليل سازوكار غلط تعيين نامزدها و بستن فهرست انتخاباتي، باز هم موفق نخواهد شد كه افراد مناسبتي را به مجلس بفرستد. شايد فهرستهاي خيلي عالي در زمان انتخابات به ميدان بيايند، اما چون شوراي ائتلاف سازوكار غلطي براي تعيين نامزد دارد، هر تلاشي هم انجام دهد باز نتيجه اش همين خروجي فعلي خواهد شد كه در مجلس يازدهم شاهدش هستيم».

اين اظهارات محمدمصدق كوشكي، فارغ التحصيل دانشگاه امام صادق (ع) كه از چهره هاي مدافع سعيد جليلي محسوب ميشود، نشان از بروز يك شكاف جدي در توافق براي تعيين «نهاد تصميم گيري اصولگرايان در انتخابات مجلس دوازدهم» دارد. شكافي كه حكايت از افول شوراي ائتلاف نيروهاي انقلاب - شانا - است و حالا با نزديك شدن به ايام رقابتهاي انتخاباتي صدي نقد ها از اين شورا بلند شده است. افولي كه ميتواند رقيب اين شورا، يعني شوراي وحدت را به دايره تصميم گيري بازگرداند و حتي نهاد سنتي جامعيت را كه روزگاري نظر نهايي و آخر درباره هر تصميم انتخاباتي را ميداد، احيا كند تا از وضعيت حضيضي فعلي به عزيزي دهه 80 بازگردد و از طريق شوراي وحدت ميداندار باشد. آرزويي كه بر نواي آن از نهادهاي سنتي جريان راست شنيده ميشود و البته آرزو بر غير جوان هم عيب نيست.

پایان عصر شیخوخیت و عبور از نهادهای سنتی

سال‌های دو دهه 70 و 80 دو شکل روحانی یعنی «جامعه روحانیت مبارز تهران» و «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» تحت عنوان جامعین به عنوان مرجع بلامنازع برای وحدت و حل اختلاف در درون جریان اصولگرایی شناخته می‌شدند. ایامی که شیوخ حرف آخر را می‌زدند و زیر سایه این شیوخ نهادها و احزاب سنتی همچون «موتلفه اسلامی» نیز برای خود اقتداری داشتند.

با درگذشت چهره‌های سرشناسی چون محمدرضا مهدوی‌کنی، حبیب‌الله عسکراولادی، محمد یزدی و محمدتقی مصباح‌یزدی و افزایش نفوذ تشکلهایی مثل جبهه پایداری و سهم‌خواهی گروه‌های تازه‌ای از اعتدالیون اصولگرا تا نواصولگرایان و چپ‌های نوظهور جریان راست، دیگر جامعین جامعیت خود را در جناح راست از دست داد و هر بخشی از اصولگرایان زیر چتر يك گروه، شعار وحدت سر دادند.

ضربه آخر به این نسخه قدیمی برای وحدت، فوت آیات ثلاث بود. با درگذشت محمدتقی مصباح‌یزدی، ضلع سوم مثلث آیات ثلاث در زمستان سال 1399 رو به خاموشی رفت. درگذشت او به فاصله اندکی پس از درگذشت محمد یزدی که در کنار نام مهدوی‌کنی، «آیات ثلاث» در جریان تصمیم‌گیری‌های سیاسی اصولگرایان را ساخته بودند، حکایت از تغییر زمین بازی در جناح راست را داشت. جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین و جبهه پایداری، سعی در حفظ شاهرگ‌های سیاسی و تداوم جایگاه نفوذ روحانیون در حلقه‌های تصمیم‌گیری اصولگرایان بعد از فوت پدران معنوی یا دبیرکل‌های خود را داشتند اما تداوم ساختار قبلی به آسانی ممکن نبود.

به‌رغم همه این تلاش‌ها، شیخوخیت در سال‌های پایانی دهه 90 به مفهومی تاریخی بدل شد. جریان روحانیت نسل دوم اصولگرایان - نسل بعد از نسل مبارزین در انقلاب و مسوولان در دهه 60- تلاش کردند تا ردای شیخوخیت را بر تن کنند، غافل از آنکه زاده روزهای مقارن انقلاب یا در نهایت سال‌های دهه‌های 40 و 50 هستند و نام و آوازه‌ای بلند در دفتر انقلاب ندارند و به همین دلیل طبیعتاً نمی‌توان نام آنها را جایگزین اسامی کرد که در دهه 40 زندان رفته‌اند، در نجف و قم پای درس بزرگان نشسته‌اند و عکس‌هایی در کنار بنیانگذار انقلاب اسلامی و مسوولان و روحانیون برجسته در سال‌های نخست پس از انقلاب دارند. طبیعتاً به دلیل فقدان این قدمت، حرف شنوی از آنها نیز به مراتب کمتر است و تفاوت‌ها نیز مشهود.

از همان ابتدا نیز مشخص بود که کاریزما و قدرت نسل اول روحانیون سنتی به نسل بعدی منتقل نشده و روحانیون جدید در نگاه جامعه و خود اصولگرایان، جایگاه نسل پیشین را ندارند. دورانی از حرمت و

قدرت که يك به يك چهره‌هايش دار فاني و دنياي سياست را ترك كردند و حلقه قدرتي که بلاكليف در بين مدعيان مي‌چرخيد، نزديك‌ترين تصوير به دوره گذار در جريان راست است. همين شد که مارا تن نهادسازي اصولگرايان سرعت گرفت و دوران ساخت تشکلهائي که بتوانند يك جامعين مدرن را احيا کنند، آغاز شد.

علاوه بر اين، جبهه پايداري هراسان از فوت مصباح‌يزدي تلاش کرد تا سهم خود در بده‌وبستان‌هاي اصولگرايي را تثبيت کند؛ چرا که نمي‌خواست در مقابل تشکلهائي مثل جبهه پيروان خط امام و رهبري کوتاه بيايد و خلعت بزرگ اصولگرايان را پيشکش باهنر و احزاب همراهش سازد و از طرف ديگر نيز اصولگرايان تکنوکرات و نواصولگرايان سهم خود را مي‌خواستند. ايتارگران و رهپويان اگرچه در ظاهر تنش جدي با پايداري نداشتند، اما نمي‌خواستند ذيل سايه راهبري کسي جز غلامعلي حدادعادل باشند. در مقابل مرور گفت و شنودهائي اسفند سال 1399 نشان مي‌دهد که شوراي وحدت نيز گاردي جدي با حدادعادل و تشکل تحت‌مديريت او دارد. تنها در يك نمونه، اسفند سال 1399 حدادعادل در کسوت رييس شوراي ائتلاف در انتقاد از مواضع شوراي وحدت گفت: «مشکل امروز ما اين است که جامعه روحانيت مبارز به‌طور مستقل راه افتاده و مي‌گويد من هم مي‌خواهم انتخابات را ميزباني کنم و محور وحدت شوم. حرف بنده به آنها اين است که وقتي تجربه شوراي ائتلاف وجود دارد چرا آن را نادیده مي‌گيريد؟ از طرف ديگر دوستان پايداري هم داستان خود را دارند. البته ما هنوز خط مذاکره‌اي با آنها باز نکرده‌ايم و مذاکرات را براي مراحل بعدتر گذاشته‌ايم. ما از يك طرف با کثرت نامزد روبه‌رو هستيم و از يك طرف ديگر با کثرت پدر.»

مصطفي پورمحمدي، دبیر کل جامعه روحانيت هم اصلا زير حرف نماند و در نشست سياسي اتحاديه جامعه اسلامي دانشجويان تاکيد کرد که «نوع نگاه ليبرالي، امنيتي، نظامي و پدرسالارانه هيچ‌کدام مطلوب ما نيست.» او گفت: «برخي به پدرخواندگي حمله مي‌کنند ولي مي‌خواهند خودشان مخفيانه اين مدل را پيگيري کنند و يك دفعه در آخر انتخابات نظر خود را تحميل مي‌کنند. دوره اين مدل‌ها گذشته و ما نمي‌توانيم از اين مدل‌هاي منسوخ‌شده استفاده کنيم.»

ترديد نيست که تکرار اين ديالوگ‌ها در اسفند سال 1402 دور از ذهن نخواهد بود به خصوص که در شرايط فعلي هيچ‌کدام از اين دو شورا نمي‌خواهند مسووليت عملکرد مجلس يازدهم و دولت ابراهيم رييسي را گردن بگيرند.

شوراي ائتلاف و شوراي وحدت؛ تضادهائي جرياني و توافقهائي فردي

تشکیل شورای ائتلاف و شورای وحدت و آنچه این دو شورا در انتخابات سال‌های 98 و 1400 پشت سر گذاشتند به خوبی گویای انتظار هر يك براي در دست گرفتن یا حفظ قدرت تاثیرگذاري و تصمیم‌گیری در بین اصولگرایان است. در سکوت بسیاری از چهره‌ها و گروه‌های سنتی اصولگرا می‌توان این استدلال را شنید که حالا که صدای نقدها از «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی» بلند شده، چرا راهبري و تصمیم‌سازي نباید حق شورای وحدت باشد.

بر اساس آنچه در دو انتخابات اخیر تجربه شده و وضعیت فعلی شورای ائتلاف، احتمال زیادی وجود دارد که شورای وحدت سعی کند تا میدان‌دار انتخابات جدید باشد. اختلافات این دو شورا با هم و البته اختلافات جبهه پایداری با این دو شورا کم نبوده و نیست و در انتخابات اخیر این کاندیداتوری ابراهیم ریسی بود که توانست حلقه شکسته وحدت بین شورای ائتلاف، شورای وحدت و جبهه پایداری را بندزنی کند. اگرچه ابراهیم ریسی به اندازه‌ای از پیروزی در انتخابات بیرقیب سال 1400 اطمینان داشت که حتی نخواست هیچ يك از این سه تشکل، ویتترین سیاسی او باشند. حالا اما هیچ گزینه توافقی در بین نیست. نه تنها هرکدام از گعده‌های اصولگرایان می‌خواهند بهارستان دوازدهم را در دست بگیرند که نهاد تصمیم‌ساز برای انتخابات نیز اولین اختلاف در اردوگاه آنهاست. آغاز انتقادات جدی از عملکرد شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی و انتقادات خود این شورا به مجلسی که به روایت کوشکی، «دستپخت خودشان است»، چند فرضیه را درباره مدل انتخاباتی اصولگرایان ترسیم می‌کند.

حمایت شورای ائتلاف از جریان قالیباف و موضع‌گیری شورای وحدت

با مرور دقیق‌تر نقدهای روزهای اخیر به شورای ائتلاف در کنار تنش‌های جدی بین جبهه پایداری و محمدباقر قالیباف به نظر می‌رسد يك محور احتمالی شکاف بر اساس همین تقسیم‌بندی باشد. شورای ائتلاف بار قبل محمدباقر قالیباف را سرلیست تهران قرار داد و سهم قابل توجهی از نیروهای او را نیز در لیست‌ها لحاظ کرد. بدون شك برای دور بعدی انتخابات نیز قالیباف در شرایطی با نیروهای ائتلاف هماهنگ خواهد بود که سرلیستی وی تامین و نیروهای او نیز در لیست تهران و دیگر شهرها با توافق او چیده شوند. در این شرایط مسلماً جبهه پایداری نخستین مخالف سرسخت برای جدا کردن راه خود از شورای ائتلاف خواهد بود. جبهه پایداری در دور قبلی انتخابات نیز بعد از رایزنی بسیار سرلیستی قالیباف را قبول کرد و حتی در همان زمان نیز در ایام منتهی به اسفند 1398، مرتضی آق‌آه‌رانی در دو گفت‌وگوی مختلف تاکید کرد که سر لیست، فهرست انتخاباتی نیروهای انقلاب باید خصوصیت‌های

مختلفي از جمله دوري از فساد داشته باشد. با مرور آنچه در مجلس يازدهم رخ داد - از ماجراي سيسموني گيت که بسياري دولت و جبهه پايداري را حاميان اصلي اين افشاگري مي‌دانند تا اختلاف نظرهاي جدي در غائله طرح صيانت، لايحه حجاب و ديگر موارد- مشخصا جبهه پايداري هيچ تصميمي براي توافق با ائتلاف براي سرليستي قاليباف نخواهد داشت. در اين شرايط مشخصا جبهه پايداري مي‌تواند با ائتلافي نزديك به شوراي وحدت ليستي مجزا از ليست شوراي ائتلاف را تدوين کند. در اين ليست سهم نيروهاي سعيد جليلي نيز بسيار بارزتر از انتخابات قبل خواهد بود و با توجه به اينکه شوراي وحدت براي رقابت با شوراي ائتلاف ممکن است دست چندان پري نداشته باشد، به گزينه‌ها و شايد ليست جبهه پايداري رضايست خواهد داد. در اين شرايط مختصاتي مشابه انتخابات مجلس هشتم تکرار ميشود؛ با اين تفاوت که احتمالا سهم ليست‌هاي مختلف در مجلس متفاوت خواهد بود و فراکسيون‌هاي تفکيک‌شده اصولگرا از جريانات مختلف و به صورت جزيره‌اي تشکيل شود. مجلسي که مثل مجلس نهم در دست اصولگرايان است اما اکثريت قاطع و غالبي نخواهد داشت و حتي اگر در مجلس نهم اجماع حول محور لاريجاني يك فراکسيون شکننده اکثريت را ايجاد کرده بود، بدون شك رييس مجلس دوازدهم چنين پتانسيولي را نخواهد داشت. علاوه بر اين، با توجه به موازنه ليستي در شرايط فعلي ميان اصولگرايان، بسياري معتقدند که طرح اصلاح قانون انتخابات در اين شرايط از اساس براي ختم کردن غائله به سمت برنده شدن يك ليست است. بسياري از نمايندگان سابق مجلس، اصلاح‌طلبان، کانديدهاي منفرد و مستقل در اعتراض به مصوبه تناسبي شدن انتخابات در تهران، در روزهاي اخير انتقاداتي جدي را مطرح کردند. به نظر ميرسد مجمع تشخيص مصلحت نظام موافق اين مصوبه نيست، اما مشخصا تلاش مجلس يازدهم تحت سيطره و مديريت محمداقبر قاليباف براي تناسبي شدن انتخابات در تهران حکايت از بازي جدي ليست و سرليستي در بين اصولگرايان دارد.

در کنار اين تلاش‌ها اخبار غيررسمي که از بهارستان و نزديکان قاليباف به گوش ميرسد حکايت از عزم جدي جريان قاليبافي‌ها و نزديکان وي در مناصب اداري مجلس براي کانديداتوري دارد؛ از «سعيد احديان» که در دفتر او مهره اصلي محسوب ميشود تا «احسان عسگري» و «بابک نگاهداري» و حتي چهره‌هايي که بر اثر اختلافات داخلي جريان قاليباف بعضا از حوزه رياست او دور شده‌اند، اما احتمالا در يك قالب در عرصه انتخابات مجلس دوازدهم حاضر ميشوند. قاليباف با همين «نواصولگرايان» مي‌تواند يك ليست در تهران ارايه دهد و با بستگان اين نيروها در شهرستان‌ها! فارغ از توفيق اين ليست در راي‌آوري بعيد به نظر ميرسد شوراي ائتلاف در دوراهي قاليباف و جبهه

پایداری، پایداری‌ها را انتخاب کند. با این وجود وضعیت خود پایداری‌ها و گرایش آنها به سمت شورای وحدت یا حضور مستقل می‌تواند مولفه‌ای اثرگذار باشد.

در تحلیلی دیگر نمی‌توان از کنار ائتلاف نیروهای دولت ریسی با شورای وحدت برای زمین زدن جریان قالیباف، خواه به صورت مستقل و خواه در چارچوب نیروهای شورای ائتلاف، به راحتی عبور کرد. اخیراً تعداد زیادی از نمایندگان مجلس در گلایه‌هایی از خیز جدی دولت ریسی برای انتخابات مجلس دوازدهم صحبت کردند و ماجرای بخشنامه انتخاباتی وزارت کشور هم نشان داد که حضور در ساختمان پاستور به مذاق ریسی و نیروهایش خوش آمده و چرا نباید يك قوه دیگر نیز در اختیار آنها باشد. در این شرایط بدنه دولت ریسی یعنی نیروهای سعید جلیلی، تفاهم و اشتراکات زیادی- نه صد درصدی- با نیروهای جبهه پایداری دارند. ائتلاف این دو می‌تواند جان تازه‌ای به شورای وحدت در رقابت با شورای ائتلاف بدهد و حتی به صورت نمایشی جایگاه حکمت جامعین را نیز احیا کند؛ با این تفاوت که در دو دهه 70 و 80 این جامعین و جامعه روحانیت مبارز بود که حرف آخر را می‌زد و حالا دقالباب این فراموشخانه خانه پدری نه برای پوشیدن خلعت بزرگی اصولگرایان و نه از حب جامعین که از بغض رقیب است. احیای جامعین برای پوشش قرار دادن این نهاد سنتی اصولگرا است تا صدای جبهه پایداری و نیروهای نزدیک به دولت ریسی رساتر در مقابل رقیب شنیده و بلند شود.

ساختارشناسی شورای وحدت و شورای ائتلاف

دو شکل شورای ائتلاف و وحدت با چه انگیزه‌هایی شکل گرفتند و چرا از بدو تاسیس درگیر اختلاف بودند؟

برای درک بهتر آنچه میان شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی و شورای وحدت در سال‌های پایانی دهه 90 گذشت و رخدادهایی که وقوع آن از امروز تا ماه‌های منتهی به اسفند 1402 محتمل است، باید مروری بر نحوه و انگیزه‌های تشکیل این دو شورا، فعل و انفعالات آنها در انتخابات اخیر و نیروهای تشکیل‌دهنده هر کدام داشته باشیم. شورای

وحدت نیروهای انقلاب اسلامی که به نام «شورای وحدت اصولگرایان» نیز شناخته می‌شود، تشکلی با محوریت منتقدان شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی (شانا) بود که ادعای گزافی نیست اگر اساس تشکیل آن را همین رقابت‌ها و اختلافات انتخاباتی و دلخوری از «جمنا» بدانیم. البته تردید نیست که شورای وحدت به منظور احیای نقش محوری جامعه روحانیت مبارز در میان اصولگرایان، در آبان ۱۳۹۹ به ریاست محمدعلی موحدی کرمانی تاسیس و تلاش شد تا ساختاری امروزی‌تر از جامعه‌تین را ارائه دهد؛ با نفوذ و تاثیرگذاری بالاتر، برنامه‌ریزی برای تربیت نیروهای جوان‌تر و حتی جذب بخشی از کادرسازی که در دانشگاه امام صادق(ع) رخ می‌داد اما با حفظ جایگاه راهبردی و راهبری برای روحانیون و تشکلهای روحانی اصولگرا.

نام شورای وحدت با نام ابراهیم ریسی نیز گره خورده است. ریسی که نامزد اصلی اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ بود و توفیقی در رقابت با حسن روحانی پیدا نکرد، در سال ۱۳۹۷ تصمیم گرفت که به اصلاح ساختار جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا) پردازد تا با ایجاد سازوکاری جدید، برنده چتر ائتلافی اصولگرایان چه از لحاظ کاندیداتوری و چه از لحاظ اثرگذاری و راهبری باشد. سازوکار جدید زیر نظر مستقیم ابراهیم ریسی در حال شکل‌گیری بود، اما او در اسفند ۱۳۹۷ رییس قوه قضاییه شد و در ظاهر امر، از فعالیت‌های انتخاباتی فاصله گرفت. با این حال، ایده ریسی برای تشکیل شورای وحدت فراموش نشد و محمدعلی موحدی کرمانی و منوچهر متکی متولیان شورای وحدت شدند. سال ۱۳۹۷ البته از يك بعد دیگر نیز سالی مهم و اثرگذار در سرنوشت ساختارهای روحانی اصولگرایان است. به حاشیه رانده شدن جامعه‌تین در انتخابات ۱۳۹۶ باعث شده بود که جامعه روحانیت مبارز برای احیای نقش اساسی خود جهت انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، دست به اصلاح اساسنامه و تغییر دبیر کل در تابستان ۱۳۹۷ بزند. شاید جامعه روحانیت مبارز تصور می‌کرد که تغییر اساسنامه به فعال شدن به معنی بازگشت این تشکل روحانی به راس هرم اصولگرایی منجر می‌شود و این تشکل می‌تواند به عنوان بخش مهمی از شورای وحدت، رقیب انتخاباتی-سیاسی یعنی شورای ائتلاف را کنار بزند، اما این رویاها هرگز محقق نشد. اشتباه راهبردی جامعه روحانیت مبارز و شورای وحدت در آن زمان «دست‌کم گرفتن وزن و قدرت سازماندهی نواصولگرایان» که تمام هم و غم خود را برای تعریف ساختارهای قدرت در دوران جدید اصولگرایی در شورای ائتلاف متمرکز کرده بودند و «توان برهم زدن بازی توسط جبهه پایداری» بود. نواصولگرایان تجمع‌یافته در شورای ائتلاف نیروهای انقلاب راضی به پذیرش شیخوخت جامعه روحانیت نشدند و در راهی جداگانه با جبهه

پایداری هر دو بازی جامعه روحانیت و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم- که به واقع کمتر خود را اسیر این بازی سیاسی کرده بود- را بر هم زدند.

به موازات شوراي وحدت، شوراي ائتلاف نیروهاي انقلاب اسلامي (اختصاري شانا) با استحاله از جمنای ظهور کرد. آبان سال 1398 شوراي ائتلاف نیروهاي انقلاب اسلامي که البته در ابتدا، «شوراي ائتلاف اصولگرایان» نیز خوانده میشد و به خاطر انتقاد مرتضی آقاهیرانی از واژه «نیروهاي انقلاب» به جای «اصولگرایان» استفاده کرد، اعلام موجودیتی جدی داشت تا میداندار حاکمیت یکدست اصولگرایان برای سالهای پایانی دهه 90 و دهه جدید باشد. تعداد ۷ حزب رسماً به عضویت ائتلاف درآمد و عضویت خود را به تصویب کمیسیون ماده ۱۰ احزاب رساند؛ جمعیت پیشرفت و عدالت ایران اسلامي، جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامي، جمعیت رهپویان انقلاب اسلامي، جمعیت جانبازان انقلاب اسلامي، جمعیت وفاداران انقلاب اسلامي، کانون دانشگاهیان ایران اسلامي و حزب توسعه و عدالت ایران اسلامي. لیست این تشکل با عنوان «ایران سربلند» پیروز انتخابات کم مشارکت سال 1398 شد. «شانا» به دلیل موفقیت در انتخابات مجلس دوازدهم و پیروزی لیست ایران سربلند و مهم‌تر از همه آنچه توان ایجاد وحدت می‌خواند، حق ویژه‌ای برای خود در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم نیز قائل بود. انتقادات پینگ‌پونگی شوراي ائتلاف و شوراي وحدت در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری 1400 فراموش‌شدنی نیست. در اسفندماه سال 1399 محمدعلی موحدی کرمانی رئیس شوراي وحدت، از شوراي ائتلاف خواست که پیروزی اصولگرایان در انتخابات مجلس را مصادره به مطلوب نکنند و منوچهر متکی سخنگوی شوراي وحدت، سازوکار شوراي ائتلاف را ناکارآمد و غیرنظام‌مند خواند. شوراي ائتلاف هم بنای کوتاه آمدن در مقابل شوراي وحدت را نداشت، در پاسخ به همین انتقادات بود که حداد عادل رئیس این شورا در انتقاد از مواضع شوراي وحدت، آنان را پدرخوانده خطاب کرد. عنوانی که با واکنش مصطفی پورمحمدی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز روبه‌رو شد: «برخی به پدرخواندگی حمله می‌کنند ولی می‌خواهند خودشان مخفیانه این مدل را پیگیری کنند و یک دفعه در آخر انتخابات، نظر خود را تحمیل می‌کنند. دوره این مدل‌ها گذشته و ما نمی‌توانیم از این مدل‌های منسوخ‌شده استفاده کنیم.» نیمه دوم سال 1399 شوراي ائتلاف و شوراي وحدت، یکدیگر را متهم به تلاش برای ایفای نقش پدرسالاری کردند، صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری هم که همواره از دو طرف امتیاز می‌گرفتند و بر دو طرف هم می‌تاختند، اعلام کرد که هر دو جریان، پدرسالار هستند! سال 1400 که فرا رسید دیگر زمان تعیین کاندیداها بود، محمدباقر قالیباف تنها گزینه

شورای ائتلاف برای انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم معرفی شد در حالی که در همان ایام، شورای وحدت در حال زمینه‌سازی برای حضور سید ابراهیم ریسی بود. قالیباف که می‌دانست شانسی برای پیروزی در مقابل ریسی نخواهد داشت، به محض ورود ریسی به انتخابات، شورای ائتلاف را به حمایت از ریسی در انتخابات ریاست‌جمهوری هدایت کرد. سرنوشت شورای وحدت، شورای ائتلاف و جبهه پایداری با تنش آمیخته بود تا خرداد 1400 که با نام ابراهیم ریسی به هم گره خورد و اجماعی شیشه‌ای بر سر ریاست‌جمهوری او شکل گرفت. اجماعی که حالا ترک‌های عمیق دارد و تردیدی در فروپاشی آن برای انتخابات مجلس دوازدهم نخواهد بود؛ انتخاباتی که جز بحث تلاش برای معرفی و رای‌آوری کاندیداهای بیشتر از هر دو طرف- و شاید هم از سه طرف- میدانی برای تثبیت قدرت در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی نیز خواهد بود.

منبع: روزنامه [پاگاه](#) 12 آبان 1402